

طوس و موقعیت فرهنگی و رجالی آن

در مورد رجال و شخصیت های طوس ابتدا فرض ما این بود که علاوه بر همین دانه درشتها از قبیل فردوسی و خواجه نصیر و غزالی و نظام الملک و شیخ طوسی، دست بالای آن سی چهل تا هم آدم متوسط از شاعر و فقیه و محدث و عالم و مورخ و سیاستمدار داشته باشیم و دیگر هیچ، چنان که فرض عموم پژوهشگران هم ممکن است چیزی غیر از این نباشد. اما بعد که بخشی از منابع کهن را از نظر گذرانیدیم دیدیم که واقعیت غیر از این است. کتابهای تفصیلی رجال و سیر و تواریخ محلی پر است از نام چهره های برجسته و شاخصی که اگر همین دانه درشتها نبودند هر کدام از آنها برای آن که بتوانند به کشوری هویت فرهنگی ببخشند کفایت می کردند. این که گفتیم به کشوری می توانستند هویت ببخشند یک تعارف یا پندار صرف نیست. اگر به همین اطراف خودمان نگاه کنیم و مثلاً همین کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی را به نظر آوریم می بینیم که ترکمنها بر گرد مختوم قلی فراغی، اوزبکها با امیر علیشیر نوایی، قزاقها با ابونصر فارابی – که تازه معلوم نیست چه تعلقی به آنها می تواند داشته باشد- و تاجیکان با امیر اسماعیل سامانی و این اواخر رودکی سمرقندی دارند هویت فرهنگی خود را پیدا می کنند و حق هم با آنهاست برای آن که در دنیای کنونی ملتها هر قدر هم متمدن و پیشرفته و صاحب آلف و الوف سیاسی و اقتصادی باشند بالاخره باید معلوم باشد که کیستند، از کجا آمده اند، و شناسنامه و برگه هویتشان کجاست. و خدا می داند از قبیل افرادی که بر شمردیم در میان همین طوسیانی که از لابلای کتابهایی نظیر انساب سمعانی معجم الادبا و معجم البلدان یاقوت و جرآن یافته ایم چه بسیار کسانی یافت می شوند که یک سرو گردن از آنها که در مورد این کشورها بر شمردیم بالاترند.

تقریباً بر ما مسلم است که همان طور که در عرصه باستان شناسی بخش عمده ای از عنائم فرهنگی خراسان زیر خاک مانده

و تا کنون شناسایی و کاوش نشده است از نظر معرفی چهره ها و به ویژه تاثیری که این چهره ها در دگرگونی سیمای فرهنگی ایران و اسلام داشته اند نیز کار در خور و سزاوار توجهی صورت نگرفته است، و طوس به عنوان نمونه بارزی از خراسان در این مورد مطرح بوده است.

چه کسی می تواند اهمیت فردوسی را به عنوان تثبیت کننده حماسه ملی و تنها کسی که اساساً نوع حماسه نه تنها در ادب فارسی که در بخش عمده ای از ادبیات مشرق زمین با نام او گره خورده است، از نظر دور داشته باشد همچنان که اهمیت خواجه نصیر در حوزه نجوم، شیخ طوسی در قلمرو جهان بینی تشیع و امام محمد غزالی به عنوان احیاگر علوم دین و پدید آورنده مکتب فقهی بلند آوازه ای در اسلام را نمی تواند نادیده بگیرد بخصوص که این ناموران اغلب از این دیار کوچ کرده و دامنه شهرت شهر و سرزمین خود را تا اقصای عالم اسلام گسترش داده اند.

محدوده کار

در این تحقیق محدوده خاصی مورد نظر بوده که عبارت است از منطقه تاریخی طوس باستان. وقتی می گویی طوس منطقه ای به وسعت ۱۷ هزار کیلومتر مربع از حوضه آبریز کشف رود را شامل می شود که از النگهای نزدیک قوچان کنونی یعنی حدود روستای الماجق و گوبانگ رادکان آغاز می شود و فاصله بین دو رشته کوه بینالود و هزار مسجد تا محل اتصال کشف رود به هریرود و تشکیل رود تجن یعنی پل خاتون و مرز افغانستان- ترکمنستان کنونی در ۶۰ کیلومتری جنوب سرخس، به طول تقریباً ۲۰۰ کیلومتر را شامل می شود. در این دره پر مسئله و فرهنگ خیز اتفاقات مهم فرهنگی و تاریخی رخ داده است و افراد و شخصیت های زیادی در آبادیهای متعدد آن زیسته و از آن جا به مناطق دیگر در دنیای اسلام سرازیر شده اند که همه این افراد به عنوان طوسی مشهور و نامبردار بوده اند. و در این پژوهش به زندگی و آثار و اندیشه های آنان پرداخته شده است.

طوس در این معنی نام ولایتی است که شهرها و آبادی های زیادی داشته است که باید به چهار شهر مهم و معتبر آن یعنی: نوغان، تابران (روستاهای توس و اسلامیه کنونی)، تروغبذ (طرقبه) اشاره بکنیم که از آن میان نوغان چون از قرنهای پیش در مشهد مقدس مستحیل شده و عملاً به صورت بخشی از هویت جغرافیای این شهر درآمده از حوزه تعهد ما در این مطالعه خارج شده است و طبیعتاً اگر قرار باشد سخن از نوغانیها و مشهدها به مان آید کارمستقلی را طلب می کند. شهرستان کلات هم چون عملاً جزو حوضه آبریز کشف رود نیست و هویت مستقلی پیدا می کند، از میدان پژوهش ما خارج است. بقیه بخشها البته مورد نظر بوده است. در نتیجه تمام رجال و شخصیتهای شهرستان چناران و رادکان و حومه مشهد هم در قلمرو این تحقیق قرار می گیرند. بسیاری از این شخصیتها که به نام روستای خود و بسیاری دیگر هم که به طور کلی در کتابها و منابع مربوط به طوسی شهرت یافته اند، در این پژوهش جای گرفته اند.

تنوع شخصیتها در این منطقه زیاد و تقریباً همه تخصصها و رشته های مختلف علوم را شامل می شود بنا براین در این کتاب با نام محدث، مورخ، جغرافی دان، شاعر ادیب، عارف، عالم دینی و بالاخره سیاستمدار و امیر و حاکم، که همگی از طوس برخاسته اند، آشنا می شویم، کسانی که توانسته اند در زمینه های گوناگون تحولات و دگرگونیهای را سبب شوند و از خود آثاری گرانسنگ و تعیین کننده برجای بگذارند.

شناخت همه این چهره ها برای تعیین هویت فرهنگی طوس و خراسان به طور خاص و ایران و اسلام به طور عام ضرور خواهد بود و همین می تواند ضرورت این تحقیق را به عنوان یک امر مهم و لازم خاطر نشان کند.

پرسش های تحقیق

از همین جا پرسش های اساسی تحقیق ما آغاز می شود:

- طوس از نظر پرورش شخصیت های علمی و ناموران عرصه فرهنگ و سیاست در میان دیگر شهرها و منطقه های ایران چه جایگاهی دارد؟
- تعداد افراد منطقه و کیفیت کار و جایگاه علمی هر کدام چگونه ارزیابی می شود؟
- طوس به عنوان پرورشگاه زبان فارسی و خاستگاه حماسه های ایرانی چه خدمتی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام انجام داده است؟
- جایگاه طوس و شخصیت های آن در مجاورت یک شهر زیارتی مثل مشهد و با حضور میلیونی زائران در فصول مختلف سال از نظر گردشگری و جذب توریست در روزگار ما کدام است؟

و اما فرضیات تحقیق:

- تعداد و موقعیت و تنوع شخصیت های طوسی و مهاجران علمی و فرهنگی این شهر به سایر نقاط دنیای اسلام به مراتب بیش از آنی است که تا امروز شناخته شده است.
- برخی از علوم و دانشهای ایرانی و اسلامی یا اصلاً در طوس پدید آمده یا در این سرزمین گسترش، تنوع و تعمیق یافته است.
- در طوس شخصیت های طراز اول و ناموران درجه یک به مراتب از شهرها و نواحی همانند و همطراز آن بیشتر است.
- طوس در طول قرنهای صادرکننده دانش و بینش و ادب و سیاست بوده و برخی از چهره های این سرزمین مانند نظام الملک سالها بر سرنوشت کل ایران و بخش عمده ای از جهان اسلام حکومت می کرده اند.
- آرامگاه بعضی از شخصیت ها و ناموران این سرزمین می تواند به عنوان مراکز عمده گردشگری کشور مطرح باشد و رسیدگی به برخی دیگر از این اماکن این امکان را فراهم می کند که بر جاذبه های گردشگری استان و منطقه بیفزاید.

- شخصیت های طوس به سه دسته جهانی و ملی و منطقه ای قابل تقسیم هستند.

- از جهتی دیگر می توان طوسیها را به چند دسته تقسیم کرد: آنها که در توس زاده و در همین شهر هم درگذشته اند مانند فردوسی و محمد غزالی، آنها که در توس زاده و از آن جا به شهرهای دیگر کوچ کرده و در همانجا هم در گذشته اند، مانند احمد غزالی که در قزوین مدفون است و شیخ طوسی که در بغداد درگذشته است. و بالاخره آنها که در جایی دیگر زاده شده و به این دیار مهاجرت کرده و سپس در این شهر درگذشته اند مانند ارسلان جاذب، عبدالرحمن گهواره گر و...

- با شناسایی این شخصیت ها و ترسیم خصوصیات روحی و جسمی آنان می توان با استفاده از هنرهای تجسمی به تهیه پیکره ها و تندیسهایی از آنان اقدام کرد و زمینه را برای ایجاد پارک ناماران طوس و خراسان، که در نهایت می تواند بر جاذبه های گردشگری منطقه بیفزاید، فراهم آورد.

- بسیاری از شخصیت های طوسی دارای نام و آوازه هستند و سرگذشت آنان بیش و کم در کتابهای تاریخ و رجال و ادب و جز آن موجود است، کسانی هم هستند که تنها نامی از آنان در کتابها به چشم می خورد بی آن که شرح حال و آثار آنان درذ جایی ضبط شده باشد و اگر هم شده به نظر ما نرسیده است، برخی دیگر هم هستند در گورستانهای متعدد ط

- وس مدفونند و نام و عناوین سنگ گورشان حاکی از آن است که آدمهای مهم و صاحب نامی بوده اند اما تاکنون شرح حال مضبوطی از آنان به نظر نرسیده است.

نام نشان همه این بزرگان را در شمار نامداران توس آورده ایم به امید آن که روزی شرح احوال و زندگینامه قابل ذکری از آنان پیدا شود و آنچه در این دفتر آمده از این که هست کامل تر گردد.

روش پژوهش

- این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای و تا حدودی هم میدانی بوده است. به این ترتیب که ابتدا کلیه منابع مهم ادبی، تاریخی، جغرافیایی، علمی، سفرنامه‌ای، و دانشنامه‌ای با دقت فیش برداری شد و اطلاعات لازم از منابع فارسی، عربی و انگلیسی فراهم آمد. تحقیقات میدانی برای برخی از شخصیتها عبارت بود از شناسایی محل آرامگاه و تهیه عکس از مقابر آنان و احتمالاً گفتگو با خبرگان و آگاهان محلی برای تهیه و تکمیل اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع.

این پژوهش شامل پنج فصل است:

- ۱- نامداران طراز اول طوس، که با نام اشهر و به ترتیب تاریخی آورده شده‌اند، از فردوسی تا رجایی بخارایی.
 - ۲- نامداران مدفون در طوس و دارای مقبره و گورجای مشخص، ایضاً به ترتیب تاریخی از سید عبدالله برزش آبادی تا گهواره گر/ پیر پالاندوز (کارندهی یا کاردهی).
 - ۳- رجال سیاسی و حکام طوس دارای مقبره مشخص، یعنی ارسلان جاذب، امیر ارغون جانی قربانی، و دیگر اعضای خاندانش.
 - ۴- شعرا و ادبای مدفون در مقبره الشعرا، از خدیو جم تا ذبیح الله صاحبکار.
 - ۵- فرهنگنامه نامداران طوس به ترتیب الفبایی بر اساس نام کوچکشان، که حدود چهار صد تن می‌شوند. توضیح آن که نام افراد مذکور در فصول بعد نیز در این بخش آمده اما هر کدام به فصل مربوط ارجاع شده است.
- در پایان هم منابع به ترتیب نام کتاب آمده ذکر شده است.